باداب اهل القرب فلا يتصدى للتصرف والتسخير ويتوجه بالكلية الى الله الواحد

باداب اهل قرب پس متصدی نشود در آن تنده متصرف وتسخیر را وتوجه بی خود بالکلیه بسوی الله

الاحد المتفرد بالتقديس والتدبير كويند عشق جيست بگو ترك اختيار

احد که منفرد است بتقدیس و تدبیر

انگو ز اختیار پرست اختیار نیست عارف شو هیچ اختیار نیست

کار من اگر باختیار بودی آشفته تر از زلف نگار بودی گر من نظری بکار خود داشتمی

او را نظری بکار بودی ولذلك اي للضعف الحاصل بسبب المعرفة بالله وعلم

و بر ای آن ای برای ضعفیکه حاصل است بسبب معرفة بالله وعلم

الا قتدار على شئ بالتصرف فيه قال لوط عليه السلام ولو ان لي بكم قوة اي اني

اقتدار بر هیچ چیز متصرف وران فرمود لوط علیه السلام اگر بر سینکه می بود در شما قوتی

لي بكم قوة من الهمة القوية اقاومكم بها واقاتلكم او اوي اي التجي الى ركن شديد

مرا بشما قوة از همت قویه مقاومت میکردم بآن وقتال میکردم بشما او آوی ای التجی میکردم بپناهی

يريد لوط عليه السلام بالركن الشديد بحسب الظاهر القبيلة القوية

اراده میکند لوط علیه السلام برکن شدید بحسب ظاهر قبیله قویه

الغالبة على اعدائها ويقول رسول الله صلى الله عليه وسلم مشيرا الى هذا

غالبه بر اعدای خود و میفرماید رسول الله صلی الله علیه وسلم در اینجا که اشارت

اراده لوط عليه السلام بالركن الشديد بحسب الباطن رحم الله اخي لوطا

اراده کرده بود لوط علیه السلام برکن شدید بحسب باطن رحم فرماید الله برادر من لوط را

لقد كان يأوي الى ركن شديد يريد صلى الله عليه وسلم ضعف المعرفة

در انجا که هر آینه تحقیق بود او التجا کند بسوی رکن شدید اراده میکرد صلی الله علیه وسلم ضعف معرفة

اي يشير بهذا الكلام الى ضعفه الحاصل له بسبب معرفة بالله حيث تعطف عليه

ای اشاره میفرماید باین کلام بسوی ضعف لوط علیه السلام که حاصل بود مر او بسبب معرفة بالله حیث تعطف علیه

ان لا بالدعاء له بالرحمة فان ذلك ينبئ عن ضعفه وعجزه عليه السلام

ان لا بالدعاء له بالرحمة فان ذلك ينبئ عن ضعفه وعجزه عليه السلام

الا بدعا برای او برحمت پس بدرستیکه آن خبر میدهد از ضعف او وعجز او علیه السلام

ونسبة ثانيا الى نفسه بالاخوة المشعرة بمشاركته اياه في هذا الضعف الظاهر

ونسبت داد او را ثانیاً بسوی نفس خود به برادری که مشعر است بمشارکت او صلی الله علیه وسلم لوط علیه السلام در این ضعف ظاهر

فحقيقته صلى الله عليه وسلم به فالركن شديد الذي التجا اليه لوط عليه السلام

که محقق فرمود آن را صلی الله علیه وسلم بآن نحطف پس رکن شدید یکه التجا کرد بسوی آن لوط علیه السلام

بحسب الباطن هو الحق سبحانه وتعالى مدبر به الذي بيده امره يفتضي عليه

بحسب باطن آن حق سبحانه وتعالی که مدبر کننده او است که بیده امره یفتضی علیه

وحكمته ومربيه الذي يربيه بموجب لطفه ورحمته لوط عليه السلام

وحکمت خود ومربی او است که تربیت میکند او بموجب لطف خود ورحمت خود لوط علیه السلام

عارف بود بانکه هر اسمی را خاصیتی است وتاثیری ومظهری که دران مظهر خاص خواص وتاثیر

آن اسم بظهوری پیوندد وجه افعال سبحانه وتعالی در خارج جز مظاهر بوساطت ظهور

نپیوندد از قوه بفعل نمی آید پس بظاهر النجا او بمظاهر بود از نفس او قبیله و باطن

بحضرت حق سبحانه وهر که بباطن متوجه است مستمد او از حضرت اسمی از اسماء الهی شود

بظاهر قصد آن مظهر کند که خاصیت آن اسم از قوه بفعل آورد پس التجا او بمظاهر بود از رکن شدید الذي التجا

القضاء عبارة عن الحكم الكلي الالهي في اعيان الموجودات

قضا عبارت است از حکم کلی الهی در اعیان موجودات

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)